

روابط مؤدت آمیز از نوع پاکستانی!

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

در هفته پایانی اردیبهشت، دنیا شاهد رویدادهای شگفت‌انگیزی در افغانستان بود. رسانه‌ها از پیشرفت‌های گسترده طالبان در منطقه شمال و کودتای ژنرال عبدالملک در برابر ژنرال دوستم و فرار دوستم خبر دادند. در کوتاهترین فاصله طالبان به مزار شریف وارد شدند و برای خیلی‌ها چنین می‌نمود که کار بسود طالبان رو به پایان است. شناسایی طالبان از سوی پاکستان و سپس عربستان و بعد هم امارات در تقویت این دیدگاه تأثیر داشت. ولی در کمتر از دو روز همه چیز دگرگون گشت، مردم مزار شریف شجاعانه دست به خیزشی غیرمنتظره زدند و احمد شاه مسعود این فرمانده هوشمند که می‌رود تا در میان تاجیکان و تبار ایرانی ابومسلم خراسانی دیگری را تداعی کند، به مدد تاکتیک جنگی حساب شده‌اش، ضربه‌ای سنگین در دره سالنگ بر طالبان وارد کرد و لذا در زمانی بسیار کوتاه ۹ استان افغانستان با از پا درآمدن و به اسارت گرفته شدن بسیاری از طالبان، بویژه اسارت بیش از ۲۱ تن از مقام‌های بالا و فرماندهان معتبرشان، آزاد شد.

این رویداد از جنبه‌های مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، کاری که در فرصت یک مقاله کوتاه نخواهد گنجید. از اینرو کوشش بر این خواهد بود تا در این نوشته به موضوع ایران و عملکرد دولت درباره افغانستان به کوتاهی اشاره‌ای داشته باشیم.

امروز بر هیچ کس در هیچ جای جهان پوشیده نیست که پدیده طالبان، پدیده‌ایست ساخته و پرداخته دستگاه امنیت ارتش انگلستان ساخته پاکستان. ارتشی که در واقع قدرت اصلی حکومت را در این کشور بر عهده دارد و از زمان پیدایش این کشور، پیوندی تنگاتنگ با آمریکا داشته است. همه می‌دانند که آمریکا به یاری ارتش پاکستان و پول بی‌حساب عربستان در پیدایش و به قدرت رسانیدن طالبان تا به امروز نقش اصلی را داشته است. آمریکا بر آنست تا به مدد بسته اندیش‌ترین گروه‌های مذهبی منطقه، یعنی طالبان، با

دهن پرکنی که می‌دهد، در عمل هیچگاه نتوانسته است از موضع قدرت به دنیا اعلام بدارد که از هر نظر که نگریسته شود، افغانستان پیوندی ناگسستی با حریم امنیت ملی ایران دارد و ما اجازه نخواهیم داد تا کشورهای دیگر به نمایندگی از قدرتهای جهانی آن سرزمین را مورد تاخت و تاز خود قرار دهند. در طی سالهای طولانی نیز در افغانستان کسی سراغ ندارد که یک مقام بلند پایه ایران به حضور بی‌چون و چیرای ارتش و مقام‌های امنیتی پاکستان در افغانستان اعتراض کند و در برابر آن موضع شدیدی بگیرد. حتی زمانی که نیروهای پاکستانی و تانک‌های آنها در یک حمله غافلگیر کننده استان هرات را بنام طالبان تسخیر کردند، مقام‌های کشور ما به گرمی از بی‌نظیر بوتو نخست وزیر وقت پاکستان استقبال کردند و او در نهایت تعجب از موضع قدرت در مجلس ایران سخن گفت.

لزوم تشکیل ستاد ویژه

دیپلماسی از این شاخ به آن شاخ پریدن ایران در مورد افغانستان نه تنها قادر به بررسی برنامه‌های نبوده است تا با اجرای آن بتواند کشورهای منطقه را از یک‌تازی در آن کشور و لطمه‌زدن به منافع ایران باز بدارد، که در میان سازمان‌های سیاسی و گروه‌های جهادی افغانستان نیز نتوانسته است با توانمندی نفوذ داشته باشد تا طیف وسیعی خود را بدان متکی بدانند و اکثریت مردم آن کشور از سیاست‌های گزیده شده و به مورد اجراء گذارده شده خشنود باشند. در دوره‌ای خاص، مانه تنها به جای تکیه بر تمامی مردم افغانستان به اعتبار تاریخ و فرهنگ و زبان مشترک، بر اقلیت شیعه تکیه کردیم، که با عملکردهای تأسف‌بار سازمان‌هایی چون «واحد نهضت‌های آزادی بخش» و کارهای مشکوک افسرادی نظیر مهدی هاشمی، نتوانستیم با همین اقلیت نیز رابطه‌ای استوار و روشن برقرار کنیم. دیپلماسی ایران نتوانست بموقع به نقش و اهمیت دولت استناد رسانی در حفظ یکپارچگی افغانستان و بستن راه سلطه دیگران بی‌بیرد و اجازه

صرف پول و خریداری کردن تعدادی از رهبران و فرماندهان گروه‌های جهادی و تأمین بخشی از نیازهای ابتدائی مردم به فقر کشانده شده افغانستان و استقرار امنیت به زور اسلحه و جلوگیری از هرج و مرج، مردم به ستوه آمده افغانستان را وادار به اطاعت از طالبان بگرداند و بعد از مدتی سکان را بدست عوامل صلاحیت‌دار ولی فرمانبردار بسپارد. آمریکا بر آنست تا با توجه به نفوذ و سلطه خود بر پاکستان، افغانستان را در اختیار بگیرد و بر کنار از هر دغدغه خاطری راه ارتباط با آسیای مرکزی تا مغولستان و چین را از مسیر افغانستان برقرار بسازد. آمریکا در به انجام رسانیدن این نقشه از همکاری نزدیک انگلستان که بر ارگانه‌های ارتش پاکستان نفوذی ژرف دارد، بهره‌مند است. از سوی دیگر قدرتهای مافیائی در منطقه برآند تا بر پاکستان و افغانستان به عنوان دو کانون مهم در کار قاچاق مواد مخدر تسلط داشته باشند. از اینرو می‌کوشند تا مانع از استقرار یک دولت ملی توانا در افغانستان شوند و تلاش می‌کنند تا بسیاری از گروه‌های جهادی مسلح افغانستان را که روزگاری در راستای پاسداری از استقلال کشور شکل گرفتند، با پرداخت پول و در اختیار گذاردن اسلحه در کنترل خود بگیرند.

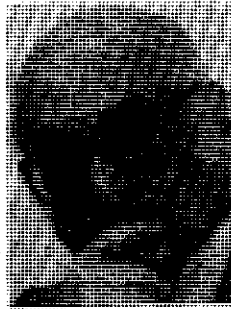
آنها سناافع بلند مدت خود را در افغانستانی جستجو می‌کنند که به مدد گروه‌های تاندندان مسلح، امکان سرمایه گذاری در زمینه کشاورزی و صنعت در آن میسر نگردد و در نتیجه از حرکت در جهت استقرار نظم و آرامش و سازندگی به دور بماند.

ایران از زمان کودتای کمونیست‌های سرسپرده به شوروی و سپس حضور ارتش عظیم شوروی در افغانستان، بطور طبیعی طی نزدیک به ۱۸ سال با مسائل و رویدادهای این کشور درگیر بوده است. با جرأت باید گفت که در تمامی این دوران طولانی به دلایل بسیار، دیپلماسی ایران از توانایی لازم برای اندیشیده عمل کردن بی‌بهره بوده است.

دستگاه دیپلماسی ایران برخلاف شعارهای

دهد تا طالبان بر او چیره شوند.

با توجه به خیزش مردم مزار شریف، مقاومت‌های حزب وحدت و بالاخره نقش آفرینی‌های هوشمندانه احمد شاه مسعود در تاراندن طالبان از شمال و حرکت او بسوی بگرام و کابل، بار دیگر می‌رود تا شرایطی پدیدار گردد که امکان انجام مانورهای برنامه‌ریزی شده و آگاهانه را میسر بسازد. ایجاب می‌کند تا رئیس جمهور منتخب با توجه به حساسیت امر و اهمیت استثنائی افغانستان برای ایران و لطمه‌های جبران ناپذیری که با سقوط آن کشور بدست طالبان بر منافع ملی ایران وارد خواهد گشت، با ایجاد هم‌آهنگی با رئیس جمهور کنونی، نسبت به تشکیل یک ستاد ویژه درباره افغانستان اقدام کنند. ستادی که بتواند با بهره گرفتن از صاحب نظران و آگاهان به مسائل افغانستان استراتژی جامعی را برکنار از شعار، طرح ریزی و به‌مورد اجرا گذارد.



دکتر پرویز درویش‌خواه

شریف بعد از رسیدن به قدرت نه با ایران که با دولت ربانی و شخص وی تماسهایی برقرار کرد و حتی از استاد ربانی دعوت کرد تا برای انجام مذاکره به پاکستان برود و قول داد تا از حمایت همه جانبه طالبان بود انجام مذاکره دست بردارد. ولی در عمل بر آن بود تا فرصت لازم را برای وارد کردن ضربه نهائی بدست آورد.

در وضع موجود با اینکه جبهه شمال به پیروزیهای دست یافته و می‌رود که موقعیت خود را تثبیت کند ولی همچنان از جهات مختلف با مشکلات فراوان از نظر اقتصادی مواجه است. وجود آشفتگی‌ها در کنار کمبود مواد غذایی چون آرد، قند، روغن، سوخت، دارو و کمبود شدید گروههای بهداشتی - درمانی و بسیاری نیازهای نخستین در آنجا، همه عواملی هستند که رهبران و فرماندهان جبهه شمال را با مشکل فراوان روبرو ساخته و می‌تواند در کار مقاومت و بویژه پیشروی آنها خلل ایجاد کند. از اینرو جا دارد تا از نظر تدارکاتی به آنها یاری رسانیده شود. باید از مقامهای سازمان ملل خواست تا با ایجاد یک ستاد پشتیبانی در ایران و روانه ساختن کمک‌های لازم اجازه ندهند تا فقر و گرسنگی مردمی را که از استقلال و آزادیشان دفاع می‌کنند به زانو درآورد.

و بالاخره آنکه ما باید به قدرتهای غربی تفهیم کنیم که راه عبور لوله‌های نفت و گاز از یک کشور بحران‌زده چون افغانستان که دهها گروه مسلح بر بخشهای مختلف آن

ما ضمن آنکه باید پاکستان را از حضور گستاخانه‌اش در نبردهای افغانستان باز بداریم تا در سطحی گسترده برای طالبان نیرو و تدارک نیند و افسر و سرباز و هواپیما و اسلحه روانه نکند، باید قادر باشیم که از نظر اقتصادی نیز جبهه شمال را یاری دهیم تا در برابر دلارهای نفتی عربستان که به نیت خریداری کردن نیروهای مخالف طالبان به مصرف رسانده می‌شود از پا در نیاید. در حالی که پاکستان در سطحی گسترده در صحنه درگیریهای افغانستان در جهت یاری دادن به نیروهای واپس‌گرای طالبان که دست پرورده خودش هستند حضور دارد، ما چه کرده‌ایم؟ پاکستان در دو ماه اخیر از نظر تجهیزات، فقط ۳۵ تانک تی ۷۲ را که از اوکراین خریداری کرده در اختیار طالبان قرار داده است. پاکستان در این مدت برای بهم ریختن وحدت نیروهای جبهه شمال ۲۰۰ میلیون دلار برای خریداری افراد و گروهها و سامان دهی تدارکات به مصرف رسانده است. در همین سه هفته اخیر پاکستان چه بصورت چریک مزدور و چه از بین افراد نظامی خود در پیشاور، بلوچستان، وزیر و چند نقطه دیگر، روزی نیست که گروهی را بسج ن‌سازد و به سود طالبان روانه جبهه‌ها نکند. تعداد قابل توجهی از این پاکستانیها در جریان لطمه‌های شدیدی که نیروهای جبهه شمال بر طالبان وارد ساختند به اسارت درآمدند و به خبرنگاران نشان داده شدند.

بی ایران، هرگز!

در برابر تلاشهای گسترده و گستاخانه پاکستان ما چگونه موضع گرفته‌ایم؟ جز آنکه پاکستان بارها کوشیده است در مذاکرات شفاهی قولهایی به مقامات ایرانی بدهد و بعد به گونه‌ای دیگر عمل کند؟ نواز

مسلط هستند و در جای‌جای آن صدها هزار اسلحه گوناگون پنهان گشته، کاری است ناشدنی. آنها نباید از یاد ببرند که انگلیس‌ها زمانی که می‌خواستند به استخراج و حمل نفت ایران بپردازند، ناگزیر گشتند تا سهمی را به سران ایل بختیاری که مسیر خط لوله از منطقه زیر نفوذشان می‌گذشت واگذار کنند. در افغانستان امروز بجای یک ایل بختیاری، گروههای بسیاری حضور دارند که با سلطه طالبان نمی‌توان حضورشان را پایان یافته تلقی کرد. باید قدرتهای غربی تشنه انرژی نفت و گاز آسیای مرکزی بر این امر واقف بگردند که فقط در صورت استقرار یک دولت ملی فراگیر و قدرتمند مرکزی در افغانستان است که می‌توان به این مهم پرداخت و برای رسیدن به چنان مرحله‌ای نمی‌توان ایران را نادیده انگاشت و بدست ارتش پاکستان و یاری‌های عربستان هر فاجعه‌ای را بر مردم سخت‌کوش و شجاع افغانستان تحمیل کرد.

از سوی دیگر رئیس جمهوری منتخب، همچنان که در سخنان روز پانزده خرداد خود اشاره داشتند، باید بر این امر تأکید کنند که پیروی از سیاست تشنج‌آفرین نمی‌تواند منافع ملی ایران را تأمین بسازد و هیچ کشوری قادر بر آن نخواهد بود تا بارو در روئی



راه‌نما

(ترانس ایر سابق)

آژانس مسافرتی و توریستی

تلفن: ۱۳۶۵

تهران

صدور بلیت

داخلی و خارجی

تحویل بلیت خارجی

در محل شما

نشانی: تهران، خیابان سپهد قره‌نی ۲۲۶

کدپستی ۱۵۸۱۵ صندوق پستی ۳۱۶۴

تلفن: ۴-۸۹۱۱۹۱ فاکس: ۸۸۹۲۷۹۱

اجتماعی



تا چند سال قبل دوش به دوش یکدیگر می جنگیدند تا دشمن متجاوز را از خاک خود براند، اما اینک گروهی از آنها برای صاف کردن جاده منافع بیگانگانی دیگر به روی هم میهنان و هم کیشان خویش اسلحه می کشند

تنش آفرین همیشگی با قدرتهای جهانی، از منافع بلند مدت و استقلال خود پاسداری کند و بتواند راه توسعه و پیشرفت را توانمندانه در راستای ساختن جامعه‌ای آزاد و سرشار از بهروزی ببیماید.

افزوده ماهنامه

ظاهراً در پاکستان دیگر از تعالیم قاعد اعظم- محمدعلی جناح- که در کنار مهاتما گاندی به استعمار انگلستان در شبه قاره هند خاتمه داد اثری نیست. هر دولتی که روی کار می‌آید در بست در خدمت منافع غربیان حرکت می‌کند. همین اواخر، وقتی خانم بی نظیر بوتو از نخست‌وزیری ساقط شد اعتراف کرد دولتش مجری سیاستهای آمریکا بوده است، اینک می‌بینیم دولت نواز شریف هم همان راهی را می‌پیماید که دولت خانم بوتو پیموده بود.

در این میانه پرروئی دولتمردان- و نیز دولترانان!- پاکستانی و کم‌روئی ما طرفه حکایتی شده است! روز ۱۸ خرداد رسانه‌ها اعلام کردند نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان برای انجام گفتگوهای دوستانه! تازه روز دیگر به ایران سفر می‌کند. همان روز «چو

دری نثار علی خان» وزیر نفت و منابع طبیعی پاکستان گفت با توجه به کاهش ذخایر گاز در پاکستان، اسلام‌آباد طرح احداث خط انتقال گاز ایران به پاکستان را با جدیت دنبال می‌کند!!

این که پاکستانی‌ها بخواهند در راستای تأمین منافع آمریکا، انگلیس و عربستان سعودی خدمت کنند به خودشان مربوط است. بگذار بکنند. اما آنچه به ما مربوط می‌شود این است که اگر طالبان در افغانستان جا خوش کنند، امنیت بخش‌هایی از شرق کشور ما به مخاطره جدی خواهد افتاد. در درجه اول، مهم این نیست که خطوط لوله گاز و نفت کشورهای آسیای میانه از ایران بگذرد یا از افغانستان، نکته مهم این است که دست کم ما از امنیت مرزهای شرقی خود خاطر جمع باشیم. می‌توانیم باشیم؟

برای آنکه حساسیت مرزهای شرقی کشور درک شود توجه مقامات مسئول حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور و همه علاقمندان را به پرسش آقای محمد رضا خیزان نماینده کاشمر و بردسکن از وزیر کشور در مورد ناامنی در شرق خراسان، و پاسخهای

آقای بشارتی که در جلسه علنی روز ۱۳ خرداد مجلس شورای اسلامی مطرح شد جلب می‌کنیم. خلاصه‌ای از این پرسش و پاسخ هشداردهنده در صفحه ۱۱ روزنامه اطلاعات یکشنبه ۱۸ خرداد چاپ شده و حاوی نکات بسیار با اهمیتی است و این شعر استاد سخن «سعدی» را تداعی می‌کند که:

تو بر اوج فلک دانی چیست
که ندانی در سزایت کیست

کسی خواهان ایجاد تنش در روابط ایران و پاکستان نیست؛ اما ایرانیها حق دارند نسبت به حمایت پاکستان از گروه مرتجعی که هنوز غوره نشده، به مناطقی از استان خراسان با سوء نیت می‌نگرد معترض باشند. اگر قرار است اعتراض هم نکنیم، لااقل از دادن امتیاز به پاکستان خودداری کنیم. مثلاً نه تنها به این کشور گاز تحویل ندهیم، بلکه ریسک کشیدن خط لوله برای انتقال نفت و گاز ایران به هند از مسیر پاکستان را هم پس‌بندیم. یا اجازه ندهیم در حالی که شیعه‌کشی در پاکستان از جانب وهابیان به صورت برنامه‌ای روزمره‌ای درآمد، یکی از نهادهای انقلابی کشور در پروژه‌های عمرانی پاکستان دهها میلیون دلار

سرمایه گذاری کند!

علاقه فرهنگی، مذهبی و تاریخی بین مردم ایران و مردم پاکستان باید حفظ شود و تحکیم گردد. اما تحکیم این علاقه به معنای آن نیست ما نظاره گر باشیم که دولتهای پاکستان هر چه می‌خواهند بکنند و تازه از ما گاز و کمک‌های دیگر هم طلبکار باشند!

نمی‌توانیم تأسف خود را از تکرار این ترجیع‌بند و دستگاه دیپلماسی کشور که می‌گوید «مسئله افغانستان راه حل نظامی ندارد» ابراز نکنیم. ما به این شعار دل خوش کرده‌ایم در حالی که قدرتهای ذینفع دقیقاً عکس نظریه دستگاه دیپلماسی ما عمل می‌کنند؛ یعنی می‌کوشند ماجرای افغانستان را با راه حل نظامی به سود خود فیصله دهند.

ایران، چین، هند و روسیه در مورد افغانستان دارای برخی علاقه مشترک هستند. بر این کشورها باید تاجیکستان- ازبکستان و ترکمنستان را نیز افزود. یک همکاری برنامهریزی شده بین این کشورها می‌تواند به دخالت‌های قدرتهای خارج از منطقه پایان دهد، و ضمن حفظ حریم امنیتی کشورهای مذکور به مصیبت‌های ۲۰ ساله مردم رنج کشیده افغانستان پایان دهد. این همکاری که می‌تواند در چارچوب یک توافق جمعی عملی شود شامل موارد زیر است:

همکاری برای ممانعت از رسیدن تجهیزات به گروه طالبان، و در صورت لزوم تقویت بنیه دفاعی دولت قانونی افغانستان.

وارد آوردن فشار مشترک به پاکستان برای جلوگیری از مداخله در امور افغانستان.

رساندن کمکهای بشردوستانه (غذا-پوشاک و دارو) در آن حد که عهده‌ای از سردان افغانستان از سرنا گزیری و برای تأمین معاش خودنا گزیر نباشند بعنوان مزدور به نفع گروهی مرتجع چون طالبان تنگ به دست بگیرند.

وارد آوردن فشار به سازمان ملل متحد برای انجام وظایف خود در قبال افغانستان.

...

آیا دستگاه دیپلماسی ایران ما دارای این توانمندی هست که بتواند مقدمات تحقق یافتن این همکاری را فراهم سازد؟

امیدواریم با شروع فعالیت دولت جدید به این حقایق بدیهی در روابط ایران با همسایگانش توجه ویژه‌ای که بتواند منافع ملی را تأمین و تضمین کند، مبذول شود.